

بِسْمِ رَبِّنَا الْأَبَدِيعِ الْأَمْنَعِ الْأَقْدَسِ الْعَلِيِّ الْأَبْهِيِّ

حمد مقدّس از عرفان کائنات حضرت مقصودی را لایق و سزااست که بیک نظر عنایت ذرّه را بطراز آفتاب ظاهر فرماید و قطره را دریا نماید و اگر نعوذ بالله عنایت مخصوصه خود را منع فرماید معنی کلّ شیء هالک الا وجهه هویدا گردد پاک و مقدّست ساحت اقدسش از ذکر فصحا و بلغای ارض هر عارف منصفی اعتراف نموده بر عجز و هر عالم صادقی اقرار نموده بر قصور سبحانه سبحانه عمّا یقولون المقرّبون و الموحّدون و المخلصون اوست مقتدری که بیک تجلّی از تجلّیات اسم اعظم عالم را منور فرمود و میزان را ظاهر نمود و صراط را امام وجوه عباد نصب کرد و بهمان تجلّی که در مقامی بکلمه ذکر میشود و در مقامی بمشیت و در مقامی باراده و امثال ذلک صور ظاهر و صیحه مرتفع و اهل قبور متحرک تعالی سلطانه و تعالی قدرته و تعالی عظمته قد خلق کلّ شیء بکلمه من عنده کیف یقدر ان یعرف منشئها و خالقها و مظهرها یسأل الخادم ربّه بأن یوفّق عباده علی الاقبال الی الأفق الذی انار بأنوار الوجه و البحر الذی ماج بأمره المحکم المتین

و بعد مکتوب آن جناب که تاریخ آن ۲۵ شهر صفر بود رسید و چون بذکر مقصود عالمیان فائز بود نهایت فرح و سرور حاصل شد انشاءالله از اشراقات آفتاب حقیقت و رشحات بحر عنایت محروم نباشید لازال کأس محبّت الهی را پی در پی بنوشید و بیاشامید و بنوشانید عجب است از ناس که مثل چنین یوم مبارکی را از دست داده‌اند و از عرفانش محروم مانده‌اند ابصار عباد ضعیف و شمس حقیقت در کمال نور و ضیاء از حقّ جلّت عظمته و جلّ سلطانه سائلم که چشمهای ضعیفه را قوّت عطا فرماید تا از مشاهده آفتاب معنوی محروم نماند آنّه لهو المقتدر القدير و همچنین مکتوب دیگر که تاریخ آن دهم ۱۰ ربیع اول بود رسید و بعد از مشاهده و اطلاع به ما فیه بمنظر اکبر توجّه نموده و بعد از اذن و اجازه تلقاء وجه مالک قدر عرض شد قال عزّ کبريائه یا اباالحسن ان افرح بما ذکرک لدی العرش مرّة بعد مرّة و توجّه الیک وجه المظلوم من هذا السّجن البعید قد انزلنا لک فی القصر ما تضوّعت به نفحة الرّحمن فی الامکان و فی هذا السّجن ما اهتزّ به کلّ منجمد ثقیل ان لا تنظر الا الله و امره هذه کلمة به لاح افق اللّوح و ابيضت وجهه المخلصین یا اباالحسن انشاءالله بکثیر معانی و بیان که در کلمات الهی مکنون و مستور است برسی و از آن بیاشامی کل بکلمه الله ناطقند و لکن یک نفس باصغاء کلمه مبارکه قل الله ثمّ ذرهم فی خوضهم یلعبون جان داد و نفس دیگر بعد از اصغاء آیات الهیه که از حدّ احصا خارجست از محلّ خود برنخاست از نفحات ایام محروم ماند و از انوار وجه بی نصیب بلفظ ذکر کوثر و سلسبیل مینمایند و هر دو امام وجوه ظاهر و از آن بغایت بعید و دور قلم اعلی در کلّ احیان اهل امکان را نصیحت میفرماید بآنچه ظاهراً و باطناً منفعت آن بخود آن نفوس راجعست مع ذلک گوش را از اصغاء منع نموده‌اند و چشم را بحجبات هواییّه از مشاهده انوار محروم داشته‌اند یا اباالحسن ان اشکر ربّک بما ایدک علی عرفانه و احضرتک فی السّجن الأعظم تلقاء وجهه و اسمعک ندائه العزیز المحبوب خدمات شما بطراز قبول مزین و این از نعمت بزرگ الهی است ان اعرف و کن من الشاکرین چه بسیار از عباد که بعرفان حقّ فائز نشدند و چه مقدار از نفوس که بشرافت عرفان فائز گشتند اما بر خدمت امر موفق نگشتند و چه مقدار از نفوس که بخدمت قیام نمودند و لکن از قلم اعلی ذکر آن ظاهر نه و تو الحمد لله باین نعمت بزرگ فائز شدی احقر اهل ارض اگر نفحة خلوص از او متضوّع شود از طائفین عرش و از اهل بهاء لدی الله محسوب و مقبول است طوبی از برای نفوسی که ظنون و اوهام عباد ایشان را از بحر یقین منع نمود و ظلم اهل عالم از انوار ظهور محروم نساخت جمیع دوستان را از قبل مظلوم تکبیر برسان و بگو یا احبائی تمسکوا بحبل الاستقامة بقدرتی و تشبّثوا بذیل الاصلطبار باسمی الصّبار العزیز الحکیم قدر این ایام را بدانید و خود را از فیوضات نامتناهی محروم نسازید بکمال اتّحاد بر امر الله قیام نمائید یعنی بذکر و ثنا و تبلیغ امرش مشغول باشید امری که الیوم سبب و

علت اعراض نفسی شود و یا علت حزن گردد نزد حقّ مقبول نه بکمال روح و ریحان با عباد رحمن سلوک نمائید کذلک امرتم من قبل من قلمی الأعلی ان ربکم الرحمن لهو المقتدر المتعالی العلیم الخبیر انتهی ای برادر مکرم الحمد لله بعنایت حقّ فائزی و بطراز امانت مزین از حقّ جلّ جلاله بخواهید که جمیع احبّاء را بآنچه الیوم لایق و سزاوار است مؤید فرماید تا شئونات فانیه و ظهورات آن ایشان را از ملکوت باقی محروم نسازد

اینکه در باب تجارت و ریح آن نوشته بودید معلومست چون آن جناب لله عمل نموده‌اند و از خود مقصودی نداشته‌اند برکت عنایت شد هر امری لله واقع شود البتّه اثر آن در ملک ظاهر میشود هنیئاً لک بما فزت بعرفان الله و برحیق الوصال از اعراض عنه کلّ غافل بعید از حقّ جلّ جلاله مسئلت مینمایم که آثار خدمات آن جناب را ظاهر فرماید ای حبیب من ملاحظه در فضل الهی نمائید مع آنکه احتکار منع شده ولیکن چون آن جناب آگاه نبودند و آنچه را هم که عامل شدند لوجه الله بوده لذا بطراز قبول فائز شد و همچنین برکت عطا شد آنه لهو الفضال الکریم و امیدوار از فضل الهی بوده و هستم و مسئلت مینمایم که جناب امین و آن جناب را بنور امانت همیشه منور دارد

و اینکه در باره اهل ممقان نوشته بودید بساحت اقدس عرض شد هذا ما انزله الرحمن من ملکوت البیان

### هو الأقدس الأعظم العلی الأبهی

یا احبّاء الله فی ممقان ان استمعوا نداء الرحمن الذی ارتفع فی هذا المقام الذی جعله المعتدون سجناً لمن یدع الناس الی الصّراط المستقیم انه یامرکم بالبرّ و التّقوی و التّوجّه الی الأفق الأعلی بقلوب نوراء کذلک حکم محبوب الامکان انه لهو المقتدر علی ما یشاء لا تعجزه شؤونات الخلق و لا تمنعه حجبات الذین کفروا بالله ربّ العالمین هذا یوم فیہ انار افق الظهور و صاحت الأشیاء الملک لله المقتدر العلیم الحکیم نعیماً لمن نبذ العالم و اخذ ما امر به من لدی الله مالک الأمم انه من اهل البهّاء فی لوح حفیظ انشاء الله بعنایت رحمن فائز باشید و از دوش فارغ و آزاد چه مقدر از نفوس منتظر ایام الهی بودند و چون نبیر اعظم از افق عالم طالع جمیع امم اعراض نمودند مگر نفوسی را که حقّ جلّ جلاله بقدرت کامله خود حفظ فرمود و از ظلمت نفس و هوی نجات بخشید قدر امروز را بدانید اصنام اوهام را باسم مالک انام بشکنید و بافق یقین ناظر شوید وصایای حقّ را فراموش نکنید و لآلی کلماتش را در صدف قلب محفوظ دارید الحمد لله فضلش شما را بخود نگذاشته در لیالی و ایام بذکر و ثنایش مشغول باشید زود است که عالم ترابی و آنچه در اوست فانی و معدوم شود و آنچه از قلم الهی در باره احبّای او ثبت شده باقی و دائم ماند ان اجهدوا فیما ینفعکم و یغنیکم عن دونکم کذلک یامرکم المظلوم فی هذا السّجن المتین

یا احبّاء الرحمن فی سیسان ان افرحوا بما یدکرکم القلم الأعلی فی ملکوت ربکم العزیز الوهاب تمسکوا بالعروة الوثقی و تشبّثوا بذیل کرم ربکم مالک المآب تالله الحقّ قد انار افق الظهور و ینطق مکلم الطور فی هذا الیوم الذی کان موعوداً فی کتب الله مالک الرقاب طوبی لنفس نبذت ما منعها عن التّقوی و اخذت ما امرت به من لدی الله منزل الآیات طوبی لغریب قصد الوطن الأعلی و لفقییر سرع الی بحر الغنّاء و لمقبل اقبل الی الکلمة العلیا باذن الله فالق الصباح کم من عالم منع عن بحر العلم و کم من محجوب سرع و شرب و قال لک الحمد یا ربّ الأرباب اشهد انک قد اظهرت مظهر نفسک و انزلت ما عجز عنه العباد و زلت به الأقدام کذلک زینا افق البیان نبیر البرهان طوبی لمن وجد عرف القمیص و تمسک بأمر الله العزیز المّان

انا نذکر احبّائنا فی ارض المیم و التّاء لیفرحوا بذکر الله مالک الأسماء و یشکروه فی العشیّ و الاشراف قد انار سراج الله فی العالم تقرّبوا یا اهل الأرض و لا تتبعوا کلّ مشرک مکّار انّ الذین منعوا العباد عن البحر الأعظم اولئک فی غفلة و

حجاب قد نبذوا علم الله عن ورائهم و اتبعوا الظنون و الأوهام خذوا ما امرتم به و دعوا الذين كفروا بالرحمن بعدما جاءهم بالحجة و البرهان تمسكوا بحبل الاستقامة في هذا الأمر الذي به اضطربت النفوس و انارت وجوه الأبرار

ای دوستان انشاءالله بعنایت رحمن از کوثر حیوان که در امکان باراده حق جاری شده بیاشامید و قسمت برید امروز آفتاب کرم مشرقست و بحر جود موج خود را محروم مکنید در جمیع احوال بحبل ذکر متمسک باشید و بنشای حق جلّ جلاله مشغول شیاطین ارض در اضلال عباد کوتاهی ننموده و نخواهند نمود باید لآلی محبت او را با اسم او محفوظ دارید تا دست خائنین آن را آلوده ننماید و از طراوت بازندارد قدر این ندا را بدانید همیشه این یوم ظاهر نیست و این ندا مرتفع نه چه مقدار از اولیا و اصفیا که در حسرت ندای الهی جان دادند و بآن فائز نشدند ان اعرفوا قدر تلك الأيام و هذا الذكر الذي نطق به لسان العظمة في هذا السجن العظيم و الحمد لله رب العالمين انتهى

آنچه آن جناب در باره اهل مرقان و سیسان و متانه استدعا نمودند الحمد لله بفیض اجابت فائز و مزین شد حسب الامر این خادم فانی نوشته ارسال داشت و لکن آن جناب باید بکمال حکمت حرکت نمایند و در کلّ احوال حکمت را از دست ندهند که مباد امری احداث شود و سبب اخماد نفوس مشتعله گردد ناس ضعیفند و از اراده حق غافل چه اگر بقطره‌ئی از بحر اراده مطلع و آگاه میشدند جمیع را مقبل مشاهده مینمودید باری در کمال حفظ کلمات الهی را بر ایشان القا نمائید و آن نفوس را هم بحکمت امر نمائید نزاع و جدال جایز نبوده و نیست

اینکه در باره حضرت افغان آقائی جناب الف و حاء علیه من کلّ بهاء ابهه نوشته بودید از قبل حکم محکم صادر که آنچه مرقوم فرموده‌اند عمل نمائید و وجوه ارض خاء بتمامها موافق ثبت که در همین مکتوب ارسال میشود قسمت شد و ایشان حسب الامر بنفوس مذکوره رسانده و میرسانند باید آنچه نزد آن جنابست بایشان برسانند

و اینکه در ذکر جناب آقا محمد صادق و سایرین نوشته بودید عرض شد و شمس عنایت نسبت بهر یک مشرق و از قبل ذکرشان در ساحت اقدس بوده و آیات بدیعه منیعه مخصوص ایشان نازل از حق میطلبم جمیع را به ما یحب و یرضی موفق فرماید و همچنین ذکر جناب آقا میرزا غلامعلی علیه بهاء الله را نموده بودید ایشان از نظر نرفته و انشاءالله نخواهند رفت ذکرشان در ساحت اقدس بوده این خادم فانی از حق جلّ جلاله سائل و آمل است که ایشان را مؤید فرماید بر اموری که سبب علو مقام و سمو امر است رجا آنکه خدمت ایشان و سایر دوستان علیهم بهاء الله که از کوثر تجرید نوشیده‌اند و بافق توحید ناظرند از جانب این خادم فانی تکبیر برسانید

و دیگر آنکه چند یوم قبل جواب مکتوب آن جناب بتفصیل ارسال شد و ذکر نفوسی که در آن ورقه بود در ساحت اقدس عرض شد و مخصوص هر یک فرداً فرداً حیاً و میتاً آیات بدیعه منیعه نازل و ارسال شد انشاءالله بزیارت آن فائز شوند زندگان را حیوة تازه عنایت فرماید و مردگان را ذکر باقی عطا نماید له الفضل و الکرّم و الوجود و العطاء انشاءالله همیشه ایام در ظلّ سدره مبارکه ساکن و مستریح باشید مکتوبی از محبوبی جناب نظ علیه بهاء الله باین فانی رسید و جواب آن لو شاء الله عرض میشود باید آن جناب در امورات با ایشان مشورت نمایند و آنچه مصلحت دانند عمل کنند دیگر از جانب این خادم فانی خدمت حبیب مکرم جناب ورقا علیه بهاء الله تکبیر برسانید انشاءالله بعنایت حق بنار محبتش افسردگان را مشتعل نمایند و تشنگان را بفرات رحمت رحمانی دلالت کنند

و دیگر آنکه اراده چنین بود که در جواب دستخط محبوب معظم جناب نبیل قاین علیه بهاء الله عریضه معروض دارم و لکن مرقوم فرموده بودند که اراده حرکت دارند لذا تأخیر شد تا محلّ سکونشان معلوم شود اگرچه فی سبیل الله آواره‌اند یا لیت کنت شریکاً معه فیما ورد علیه فی امر الله محبوبنا و مقصودنا و مقصود العالمین خدمت جناب امین علیه بهاء الله از قبل این فانی تکبیر بدیع منبع برسانید انشاءالله به ما اراد الله ناظر باشند و در خدمتش ثابت و راسخ البهائ علیک و علیه

خادم

١١ جمادى الأولى سنة ١٢٩٧

## [یادداشت]

۱ ارقام ۲ و ۵ و ۱ بر طبق حساب ابجد بترتیب معادل عددی حروف ”ب“ و ”ه“ و ”الف“ است که مجموع آنها کلمه ”بها“ را تشکیل میدهد. ←

---

این سند از [کتابخانه مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۲۵ ژانویه ۲۰۲۳، ساعت ۱۰:۰۰ بعد از ظهر